

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه  
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1389/12/11



### بحث از خرید و فروش اشیاء نجس

بحث ما در خرید و فروش اشیاء نجس بود بعد کشیده شد به فروش اعضای بدن که نجس است و بعد بحث کشیده به اجاره رحم و بعد تلقیح ممنوعی و بعد هم از باب مالکیت امروز سه تا فرع داریم 1. تتمه تلقیح مصنوعی باقی ماند 2. حکم تغییر جنسیت 3. مرگ مغزی در موضوع تحقیق کردیم ما در فقه باید موضوعش را از متخصصش بپرسیم تتمه بحث تلقیح مصنوعی

مسئله اول ما اجاره رحم و تلقیح مصنوعی بود مطلب در مجموع همان دو راهی که ما ترسیم کردیم همان دو راه وجود دارد ولی فتوا را فقها داده اند مطلب اول که تکمیل لازم دارد مسئله تلقیح مصنوعی صوری دارد

صورتی که تخمک زن مشکل دارد و تخمک زن دیگر در رحم او قرار می گیرد صور اول این است زن و شوهری است زن مشکلی دارد از لحاظ می گویند تخمک مشکل دارد مرد اب نطفه و اسپرم او مشکل ندارد در رحم زن خود این مرد یک تخمکی از زن دیگر می گیرند این مطلب این است که در رحم خود اختلاط و کار ورود یک اسپرم داخل یک عبل را امتزاجش انجا صورت می گیرد درباره موضوعش می بینیم که خلاف شرعی از لحاظ مجامعت و زنا و ارتکاب محرمی انجام نگرفته فقط یک تخمکی از یک زنی گرفته شده و ان هم در حالت ابتدایی در داخل رحم که محرم و زن است برای صاحب نطفه این امتزاج انجام شده و علقه و مضجعه الی اخر اینجا ظاهراً اشکال شرعی و مانع شرعی وجود ندارد اصلاً به بدن نا محرمی جزء اجزای نا محرم ارتباط بر قرار نشده نطفه هم که مال شوهرش هست اینجا دریافت انجام شده یک تکه عبل باربری یا فعال کرایه کرده اند یا اجاره کرده اند مشکلی از لحاظ فقهی در بین نیست و این درست

سوال نسب چه می شود جواب نسب نطفه که مال مرد است صحت انتساب دارد از لحاظ حقوقی ان نصفی که مال ان است در حد ولادت و کمال و تکمیل صحت استناد به ان کامل

نيست ذره اي از قسمت عبل او كه گرفته شده ان هيچ شيئي تي نداشته تكميل اينجا صورت گرفته مولود متعلق به اين خانم است نطفه كه اصلش از شوهر هست قطعا صحت استناد فرزنش هست هيچ مشكلي ندارد

صورتی كه اسپرم مرد مشكل دارد و از مرد بگاز اخذ شود صورت دوم عكسش هست مرد مشكل دارد اسپرم مي گيرد در رحم زن كه عبلش فعال است زنده است اين عمليات اگر انجام بشود ديروز اين را مطرح كرديم از لحاظ فقهي كه اينجا بازتر كنيم تا فرض سوم و بعدي براي ما كارساز است قول موافقين و مخالفين در دو فرض فوق

دو تا خط استدلالی داریم اولی جواز خط استدلالی جواز چرا برای اینکه ان نطفه ای که ما به ان می گوئیم نطفه یک ذره ای است که با چشم غیر مسلح دیدن ان مشکل از لحاظ عرفی و عقلي شيئي ت ندارد شرع حکم بر موضوع فعلي بار می کند فعلیت در موضوع شرط اصلي است موضوع فعلیت ندارد و لذا در عرف مشابه اش را گفتم اگر یک هسته درخت زرد الو پیش ما می توانیم بگوئیم یک درخت زردالوست صحت سلب دارد تا به اینجا این حرف را كه گفتیم در عرف و عقل اگر الان اگر بخواهیم در حالي كه یک هسته زردالو بگوئید درخت زردالو كذب است صحت سلب دارد اما ان بعدا اگر رشد كرد نسبت بدهید كه از هسته آمده اینجا كه النماء تابع للاصل ان در مرحله بعد از تحقق ناست فعلا نمی توانید چیزی بگوئید نما وجود ندارد نما می توانید بگوئید این خط تجویز عمل لا سمح الله زنا انجام نشده این را كسي مجامعت یا زنا با نا محرم نمی گوید زناي با نا محرم موضوعش در فقه معلوم است مجامعت است با شكل خاص شيئي تي ندارد تكون پیدا می کند در حال تكون قطعي نيست در صد است ممكن است پنجاه باشد ممكن بالا یا پايين بنابراین هيچ ارزشي برای ان ذره از نطفه در دید عرف و عقلا نيست ظاهر شرع هم كه مجامعت انجام نشده خلاف شرعي هم فرض این است كه ارتكاب به عمل نیامده می گوئیم اشكال ندارد در فقه هم می گویند وقت انعقاد نطفه هم اگر اسقاط بشود هيچ مسئوليتي ندارد از نظر فقه هم مرحله مرحله تحقق موضوع نيست این خط تجویز اما خط استدلالی عدم تجویز حرف اصلیشان این است كه می گویند عرف و عقلا براي خود قلمرو ای دارد خبرگان كارشناسان براي خود قلمرو ای دارد در حیطه خبرگان راهي براي عرف نيست این كار كار خبرگان است ما از پزشكان كه خبره این امور است سوال می كنیم خبره می گوید همان اسپرمي كه به نظر نمی آید همان حقيقت و اصل یک موجودي می شود به نام انسان حرف اصلي نظر خبره بود عقلا و عرف راه ندارد خبره می گوید این نطفه است پس از كه نطفه كس ديگر بود تكوين این نطفه در آيات قران این سلسله با هم پیوند خورده نطفه و علقه و مضغه و خلقا آخر یک خط متسلسلي است یک خط ممتدي است حقيقه واحده داراي امتداد ان ابتدایش قران به ما گفته است اما الان متخصصين و كارشناسان هم تاييد می کند كه این ابتدای ان خط ممتدي است كه قدم به قدم تحول پیدا می کند یک حقيقت است در حال تحول از مرحله به مرحله یک وجود است مراحلش فرق می کند در مسیر تكامل پس از كه صدق كه یک وجود است طبق اصطلاح قران كه یک وجود بود كارشناس كه ان را تاييد كرد لذا وارد كردن ان نطفه دليل و مجوز می خواهد اصل عدم جواز است اصل عدم جواز تصرف در این امور بدون مجوز شرعي است مجوز شرعي هم ندارد شما می گفتید اصل قاعده تملك است در حالي كه اصل عدم جواز

تصرف است تصرف شما دلیل می خواهد ان هم تصرف در بضع است بنابراین می گویند جائز نیست آنچه من در رساله ها دیدم اکثرا می گویند جائز نیست مقام معظم رهبری فرموده است جائز است

صورتی که زن و مرد هر دو مشکل دارند

و اما صورت سوم که رائج است این است که زن و مرد مشکل دارند دو تایشان یا یک طرف اما مشکل به رحم زن به سادگی حل نمی شود صورت سوم اسپرم و عبل مرد اجنبی با زن خودش یا با زن اجنبیه در لوله آزمایشگاهی امتزاج صورت می گیرد عملیات امتزاج انجام می شود یکی را وارد دیگری می کنند بعد امتزاج نزج می گیرد بعد از که نزج گرفت وارد می کنند در رحم زن دیگر غیر از زن خودش زن دومی این بحث دو تا صورت دارد

اولا نطفه زوجین در رحم زنی که ازدواج نکرده قرار داده شود

یک صورتش این است که زن دومی بلا مانع باشد شوهر نداشته باشد در این صورت مانع شرعی دیده نمی شود ولیکن احتیاط این است که عقد هم بخوانند حکم و فتوا این است مانعی وجود ندارد عقد هم بخواند در رحم به عنوان زن برای این مرد که محرم هست یک تخمکی از زن اولی گرفته شده هیچ اشکالی ندارد یک عقد هم بخواند

سوال در عقد باید انشاء باشد ولی اینجا همچنین غرضی نیست جواب کسی که به دختر کوچک به خاطر محرمیت عقد می خواند اینجا قضیه اش چیست این مسئله بین ما بلا اشکال بله ان اشکالی که می گویید در مرحله استدلال است در فتوا جائز است بعد اینجا برای استمتاع هم هست نطفه را برداشتن در رحم گذاشتن یک نوع بهره بری است

سوال بچه مادرش کیست جواب قطعا بچه مال ان زنی است که در رحمش بچه رشد یافته و مولودش هست منتسب هم به مرد که هست نطفه اش هست برای زن اول هم که محرم است چون فرزند شوهرش هست هیچ مشکلی ندارد از این جهات مشکلی ندارد

ثانیا نطفه زوجین در رحم زن شوهر دار قرار گیرد

اما مشکل این است که گفته اند در رحم زن شوهر دار بعد هم گفتند حکم بر جواز صادر شد این حکم مما لا یمكن المساعدة علیه بوجه این حکم را به هیچ وجه نمی توانیم وجه شرعی برایش درست کنیم 1. از طرف مردی که می خواهد بچه دار بشود مسئله مجوز ندارد چون که نطفه مرد را در رحم زن اجنبیه گذاشتن این خودش خلاف اصل است دلیل می خواهد نطفه است در رحم زن اجنبی گذاشتن استفاده کردن از رحم اجنبی است مجوزی می خواهد درست عنوان العیاذ بالله زنا ندارد اما خود این کار در رحم اجنبی خلاف اصل است دلیل می خواهد دلیلی نداریم در مسئله دماء و اعراض قاعده احتیاط در بین فقها بلا اشکال حاکم است بر اساس عدم جواز دلیل بر جواز قاعده احتیاط دو مشکل اصلیش این است که زنی که شوهر دارد رحم و ما متصل به اینها محدوده بضع است ملک شوهر این جزء انتفاعات انحصاری است شرعا و غریزه و فطره جزء انتفاعات انحصاری است و کسی فقط خودش می تواند انتفاع ببرد انتفاعش را به کس دیگر به هیچ نمی تواند و الا حیوانات است حتی حیوانات هم اجازه نمی دهد که گفتم غریزی است غریزی و فطری و شرعی انتفاع انحصاری است از رحم استفاده کردن استمتاع است همان انتفاع انحصاری استجائز نیست نمی تواند نه خود شوهر که صاحب انتفاع است نه زن که انتفاعش ملک شوهرش هست ملک خودش نیست انتفاع در اثر عقد ازدواج اختصاص پیدا کرده به شوهر بنابراین هیچ

راهي براي دست برداشتن اين انتفاع اختصاصي وجود ندارد بنا بر اين اين مسئله خلاف شرع است و خلاف ضرورت شرع است چون انتفاع اختصاصي از ضرورت شرع است و اگر اجازه بدهد يعني انتفاع اختصاصي نشد خلاف ضرورت شرع است هيچ راهي براي بر فرض نطفه شيئي قائل نباشيم که عمدترين دليل مجوزين عدم شيئي و عدم تحقق فعل حرام اينجا انتفاع هست و تصرف به هيچ وجه امکان ندارد اين فتوا هم ميشود اعلام كنيم بر عدم جواز وفاقا لاکثر الفقها او کلهم اين تا به اينجا

#### تغيير جنسيت

من بحث تغيير جنسيت را بگويم که الان درباره تغيير جنسيت ما ممکن است اطلاع پيدا که کم کم در کشورهاي اسلامي هم انجام مي شود در جوانيهايم شنیده بودم که اروپا یک شخصي که را مي گفت که اين خانم که قبلا اقا بود شنيدم که اينجا انجام مي شود و فتوا هم بر جواز داده شده تغيير جنسيت را بر اساس موضوعي که عزيزان رفتند و موضوعش را گرفتند از ان صفحات جوي و اينترنتي گفتند که سه صورت دارد صورت چهارم را ما اضافه مي کنيم

#### صورت اول ذکوريت و انوئيت ابهام دارد

صورت اول اين است که خود وضعيت ذکوريت و انوئيت در اصل مبهم است زير یک حجابي و پرده اي وضعيتي وجود دارد بعد اين را ازمایش مي کنند جراحي مي شود نشان مي دهد خودش را که مذکر است يا مونث اين صورت مسئله علي ظاهر امر در مقدماتش حلال و حرامي مخالفت نشود اشکالي ندارد

#### صورت دوم ظاهر جنسيتی را می رساند ولی ازمایش علمی ان را می رساند

صورت دوم مسئله اين است که کسي است ظاهر یک جنس دارد ظاهر ذکوريت يا ظاهر انوئيت ولي از لحاظ جنسي و هرموني عکسش هست حالت مردانه يا زنانه دارد اين را مي رود ازمایش مي کنند هر انساني ان حالت عکسش هم در ان هست منتها ذکوريت يا انوئيت را که دارد اغلب است بعد از که رفتند تشخيص دادند که حالت قوي ذکوريت يا انوئيت است درمانهاي داروهايي در جهت تقويت هرمون اين طرف به کار مي برند و جراحي انجام مي دهند مي شود یک جنس مشخص ظاهرش یک التباسي بود ان حالت ظاهري کنار گذاشته مي شود یک حقيقت در مي آيد

#### صورت سوم خنثای مشکل

حالت سوم حالت خنثي مشكله است حالت خنثي مشكله که علامت هر دو را ظاهرا در بدن دارد سابقا ازمایش نبود علمي ضعيف بود با ديدن دو تا حالت فقه هم گفته بود تجربه کند کدامها اغلب است اينجا هم بايد از لحاظ علمي به کار بشود ان حالت که غلبه دارد تقويت کند و ظاهر را با همان حالت با تعميرات وقف بدهد اين هم مشکلي نيست شنیده ام که بعضي از اعظم حوزه فتوا بر جواز تغيير جنسي داده در ضمن اعلام کرده که تغيير جنسي در حقيقت تغيير نيست بله در اين سه صورت در حقيقت تغيير جنسي نيست ترميم اصلاح است و تعمير است مثل تعمير یک ساختمان که یک صورتش مشکل داشت نقص گيري است اين را که دليلش را گفت به ذهن جا مي افتد که تغيير نيست حلال و حرامي اينجا مخالفت نشود که مشکلي ندارد

#### صورت چهارم تغيير جنسيتی کامل از یک جنس به جنس ديگر

اما صورت چهارم صورتی است که عبارت است از تغییر جنسی که خارجی ها به طور کل انجام می دادند فکر کنم کم کم در کشورهای اسلامی هم آمده یک اقا خودش اقا است زندگی کرده مدتی شاید هم زن و بچه هم دارد یک وقتی خواست که زن باشد این را آوردند یک مقدار تقویت جنسی این طرف از نظر دارو درمان و بعد جراحی کردند شد زن به تمام معنا تغییر جنسی کامل این تغییر جنسی این جائز است یا جائز نیست

ایات هشتم و صد و نوزدهم سوره مبارکه نساء

شکر خدا دلیل بر عدم جواز ممکن است زیاد داریم یک ایه قرآن که قرآن را زمان ترجمه و تفسیر می کند ایه قرآن درست این مطلب را بیان می کند سوره نساء ایه 119 خداوند می فرماید لعن الله و قال لاتخذن من عبادک نصیبا مفروضا و لاضلنهم و لامنینهم و لامرنهم فلیبتکن اذان الانعام و لامرنهم فلیغیرن خلق الله این ایه دلالت مطابقتش صحیح بی اشکال بنده وقتی در مطالعات به این بر خوردم گفتم هذا من فضل ربی

سوال شان نزول فرق می کند جواب شان نزول ایات معانی ازاد دارد شان نزول ایه را به خود حصر نمی کند شان نزول در حد یک اصول است که مورد مخصص نمی شود بنابراین فلیغیرن الله خلق الله تا آخر که می گوید اولئک کسانی که تحت شیطان هستند این کارها را انجام می دهند اولئک ماویهم جهنم و لا یجدون عنها محیصا عجب ایه ای است یک سوال به ذهن می آید که ادم که تفسیر مراجعه می کنیم می گویند که فلیغیرن ان فطرت الهی را تغییر دادند یا مراجعه می کنیم تفسیر اقایی شبر که تفسیر مختصر و خوبی هست که می فرماید ممکن است تغییر درباره خصاءعبید باشد تغییر ظاهری هم باشد اشکالی ندارد این فلیغیرن خلق الله ایه 8 سوره نساء و خلقناکم ازواجاً خلق خدا این است خلقناکم ازواجاً قطع کردن گوش مهر کردن خصاء اینها تغییر خلق نیست اینها نقص است ان موقع که مصداق نداشت بشر عاجز بود انها اهانتی نشود ادمی که بیچاره شد تمسک بکل حشیش مجبور برای ایه معنا کند الان ایه معنایش را پیدا کرد به قول یکی از دانشمندان مصری زمان قرآن را ترجمه و تفسیر می کند این فلیغیرن خلق الله است و واقعا سلسله ای که ذهنشان از خداگرایی دور است می رود این کارها می کنند تغییر به خلق خدا بدهند به نص خدا جائز نیست از کبائر است چون اولئک ماویهم جهنم تفسیر کبائر است از کبائر و عدم جواز به کل وضوح این ایه استفاده می شود بنابراین ما بیچاره ها که دست ما به قرآن برسد و بتوانیم از قرآن استفاده کنیم من لم یحکم بما انزل الله ایه دیگر می گوید سوره نساء که می فرماید و لتحکم بما ارثک الله باید حکم کنید به آنچه خدا ارثه کرده الان حکم به جواز

درست طبق نص قرآن است الحمد لله وفقنا لهذا یک حدیث اختتام مطلب از امیر المومنین علی علیه السلام کفی بالمرء جهلا ان لا یعرف قدره بالاترین جهالتی که بس است در باب جهالت ان جهالتی است که ادم قدرش را نشناسد نهج البلاغه صفحه 60 ترجمه آقای دشتی این بیان نهج البلاغه مصادیق دارد مصداق بارزش ما طلبه ها هستیم ما طلبه ها قدر ما نشناسیم قدر ما همین بس است که یک حیثیت اضافه ای به مولا داریم همین حیثیت اضافه ای به مولایمان به کل دنیا نمی دهیم و در فرمایش دیگر می فرماید افضل العباد الصبر و الصمت و انتظار الفرج مخصوصا الان قدرمان را بدانیم حیثیت اضافه به مولایمان داریم اینها اتفاقی نیست برای هر کدام در زندگی شغل و کاری پیش آوردند اینجا ما را آورده اند خود ما نیامدیم قدرش را بدانیم عزت بالاتر از این نیست حیثیت اضافه داریم و بعد

افضل عبادت صبر و صمت و انتظار فرج در این ایام کم کم اوج می گیرد حوادثی که الان در دنیا اتفاق می افتد طبیعی نیست برای ماست که دعا کنیم برای انتظار فرج